

## درباره شعر

در شماره‌های گذشته با قالب‌های شعری، قافیه، ردیف و وزن شعر آشنا شدیم. در این شماره قصد داریم درباره‌ی لوازم شاعری و فوت‌وفن‌های بهتر سرودن سخن بگوئیم. شعر سرودن در واقع یکی از انواع نوشتن خلاق است. در این نوع نوشتن، بهترین کلمات در بهترین مکان‌ها قرار می‌گیرند.

اگر ذوق سرودن، یعنی خلق مضمون‌های تازه و به‌کارگیری واژگان مناسب برای بیان آن مضمون، در وجود شما هست، به چند راهکار پیشنهادی برای بهتر سرودن توجه کنید:

**یک:** زیاد شعر بخوانید. وقتی اشعار فراوان از شاعران گوناگون و از دوره‌های متفاوت ادبیات می‌خوانید، انگار آموزشگاه شعری با معلم‌های منحصربه‌فرد با خود دارید.

**دو:** با کلمات سروکله بزنید. از نوشتن دست نکشید. برای نوشتن برنامه مشخص داشته باشید.

**سه:** عجله نکنید. شعر ساختمانی است خیالی که کلمات و مصرع‌ها مانند آجرهایی، به‌مرور زمان و با صرف وقت و دقت، آن را می‌سازند.

**چهار:** ویرایش شعر را جدی بگیرید. ابتدا آزادانه بنویسید. پس از چند روز بازنگری کنید و آنچه را نوشته‌اید ویرایش کنید.

**پنج:** اجازه دهید شعرتان نقد شود. نظر، انتقاد و پیشنهاد بزرگان ادبی و استادان شعر را یادداشت کنید و از آن‌ها بهره بگیرید.

**شش:** شعر جوشش عاطفه شاعر در ظرف کلام است. اما قوام این کلام نیازمند کوشش، مداومت، استمرار و کسب مهارت‌های لازم است.

## سوگوار تو

به مناسبت وفات حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)

امشب فرشتگان خدا سوگوار تو  
پر می‌کشند گریه‌کنان تا دیار تو  
هم‌ناله با دل همه آسمانیان  
جبریل روضه‌خوان شده بانو کنار تو  
تنها نه لاله‌های دل داغدار ما  
گل‌های اشک چشم ملائک نثار تو  
تا صبح ماند مثل تمام ستاره‌ها  
چادر نماز سبز تو چشم انتظار تو  
دل خسته‌ام به وسعت دل تنگی و فراق  
زانو بغل گرفته‌ام امشب کنار تو  
می‌سوزد از فراق تو با قلب دخترت  
تا صبح مات و غم‌زده شمع مزار تو  
یادم نمی‌رود شب آخر شب سفر  
باران اشک فاطمه بی‌قرار تو

یوسف رحیمی



## شعر بدون مرز

معرفی مترجم

**موسی بیدج** متولد ۷ مهرماه ۱۳۳۵ در گیلانغرب و بزرگ‌شده تهران است. مدرک کارشناسی ارشدش در رشته ادبیات عرب است. او یکی از پایه‌گذاران مجله شعر حوزه هنری و مجله طلایه بوده است. همچنین به‌عنوان نویسنده در رادیو، سردبیر مجله شیراز (درباره ادبیات ایران به زبان عربی) و سردبیر فصل نامه سلسله‌الحوار (فصل نامه فرهنگ، هنر و ادبیات ایران برای جهان عرب) نیز فعالیت‌هایی داشته است. بلقیس و عاشقانه‌هایی دیگر، شادی حرفه من نیست، باد خانه من است، گنجشک، بهانه، تأثیر فرهنگ اسلامی بر ادبیات روسیه، عصای آبنوس (مجموعه داستان) نگاهی به خویش (با همکاری حسن حسینی)، گهواره‌ای برای شاعران، سمفونی پنجم جنوب (برگزیده شعر هفت کشور عربی)، از جمله آثار متعدد وی به حساب می‌آیند.

شعری از نزار قبانی، شاعر معروف عرب، با ترجمه موسی بیدج:

بیم آن دارم

که زیاد با تو سخن بگویم

مبادا خسته شوی

و بیم آن دارم که سکوت کنم

مبادا گمان کنی که

دیگر برای قلبم مهم نیستی



## معرفی شاعر

راضیه صابریان بروجنی

راضیه صابریان بروجنی متولد سال ۱۳۶۱ است. زادگاه او بروجن از توابع استان چهارمحال و بختیاری است. این استان بسیار شاعرخیز است و در طول چند دهه اخیر شاعران بسیاری از این سرزمین به ادبیات کشور معرفی شده‌اند. خانم صابریان کارشناس حقوق است. از سال ۷۸ پا به عرصه شعر گذاشته است و بیشتر در قالب‌های غزل و چارپاره شعر می‌سراید. غزلی از این شاعر بخوانید:

جهان کوچک شاعر جهان تنهایی است  
به این نتیجه رسیدم زمان تنهایی است

کسی که باخته عمری به عشق می‌داند  
برنده نیست ولی قهرمان تنهایی است

هزار و یک شب اندوهم و پر از گفتن  
همیشه قصه من داستان تنهایی است

قلم به دست گرفتن دچار شعر شدن  
به واژه چنگ زدن‌ها نشان تنهایی است

خودم شکسته‌ام این بار بال‌هایم را  
قفس نشینی من امتحان تنهایی است

هر آنچه می‌شنوی پای درد دل بگذار  
گلایه گاه برای بیان تنهایی است

## حکایت

### مسجد بهلول

روزی مسجدی می‌ساختند. بهلول سر رسید و پرسید: چه می‌کنید؟ گفتند: مسجد می‌سازیم. گفت: برای چه؟ پاسخ دادند: برای چه ندارد، برای رضای خدا.

بهلول می‌خواست میزان اخلاص بانیان خیر را به خودشان بفهماند. محرمانه سفارش داد سنگی تراشیدند و روی آن نوشتند «مسجد بهلول». شبانه آن را بالای سر در مسجد نصب کرد.

روز بعد سازندگان مسجد آمدند و دیدند بالای در مسجد نوشته شده است «مسجد بهلول». ناراحت شدند. بهلول را پیدا کردند و به باد کتک گرفتند که زحمات دیگران را به نام خودت قلمداد می‌کنی؟

بهلول گفت: مگر شما نگفتید مسجد را برای خدا ساخته‌ایم؟ فرض کنید مردم به اشتباه گمان کنند من مسجد را ساخته‌ام. خدا که اشتباه نمی‌کند!

بگذار

گنجشک‌های خُرد

در آفتاب مه‌آلود بعد از ظهر زمستان

به تعبیر بهار بنشینند

و گل‌های گل‌خانه

در حرارت ولرم والر (چراغ

خوراک‌پزی)

به پیشواز بهاری مصنوعی بشکفد.

سلام بر آنان

که در پنهان خویش

بهاری برای شکفتن دارند

و می‌دانند

هیاهوی گنجشک‌های حقیر

ربطی با بهار ندارد؛

حتی کنایه‌وار

بهار غنچه سبزی است

که مثل لبخند باید

بر لب انسان بشکفد

بشقاب‌های کوچک سبزه

تنها یک سین

به سین‌های ناقص سفره می‌افزایند

بهار کی می‌تواند

این همه بی‌معنی باشد؟

بهار آن است که خود بگوید؛

نه آنکه تقویم بگوید!

سلمان هراتی

آزادی انسان در آزادی از تعلقات انسانی است و آن آزادی که در غرب گویند، قبول بندگی عادت‌ها و تعلقات است و عین اسارت، و نه عجب که از خصوصیات اصلی دنیای امروز یکی هم این است که الفاظ را وارونه به کار می‌برند. می‌گویند آزادی و مرادشان اسارت است. می‌گویند عقل و مرادشان وهم است. می‌گویند انسان و مرادشان حیوان است و می‌گویند تکامل و مرادشان هبوط است. می‌گویند علم و مرادشان جهل است و قس علی هذا.

شهید سید مرتضی آوینی